

تاملی بر چهارچوب‌های شناختی ناظر بر آینده نظام بین‌الملل در بیانیه گام دوم انقلاب

امیر کریمی^۱ سجاد جلیلیان^۲

چکیده

بیانیه گام دوم انقلاب بیش از آنکه منشوری جهت ارتقای آگاهی مردم ایران باشد سندی راهبردی است که با عنایت به مؤلفه‌های اساسی و بنیادین انقلاب اسلامی بر پایه تجربیات گذشته با نگاهی امیدوارانه به آینده می‌نگرد. یکی از ملزومات حضور انقلاب اسلامی در عرصه‌های جهانی شناخت چهارچوب‌های شناختی در آینده نظام بین‌الملل با عنایت به آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی می‌باشد. بر همین اساس مقام معظم رهبری «مدظله العالی» با تبیین و ترسیم چشم‌اندازهای پیش روی انقلاب اسلامی و راهبردهای تحقق آن در قالب بیانیه گام دوم انقلاب اقدام به ترسیم سطوح شناختی در عرصه‌های مختلف نمودند. بر این اساس در این نگاشته سعی گشته است تا با اتخاذ رویکرد آینده پژوهی و روش دیده‌بانی و با عنایت به مؤلفه‌های پایه‌ای و بنیادین انقلاب اسلامی اقدام به تبیین محتوایی بیانیه گام دوم شود و در راستای تحقق نظام انقلابی به عنوان بستر تحقق اهداف مد نظر در گام دوم انقلاب، نسبت به تبیین چالش‌ها و فرصت‌های انقلاب اسلامی در چهارچوب شناختی ناظر بر آینده نظام بین‌الملل اقدام گردد. یافته مقاله نشان می‌دهد که شکل‌گیری و تکمیل چهارچوب‌های شناختی، فرآیندی تدریجی و تکمیلی است که نیازمند زمان بوده و از ملزومات آن شکل‌گیری تحول معنوی متکی بر فهم و شناخت صحیح نسبت به مسائل می‌باشد. بدون تردید رسیدن به این خواسته مستلزم نقشه راه متناسب با الزامات و سایر مقدمات کار است که بخشی از آن تحقق یافته و ادامه موفقیت در آن مشروط بر بسترسازی‌های متناسب با آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی در پیکره دولت با همفکری نخبگان و دلسوزان انقلاب می‌باشد.

کلیدواژه: انقلاب اسلامی، گام دوم انقلاب، آینده پژوهی.

^۱ دانشجوی کارشناسی آموزش تاریخ پردیس فردوسی البرز amirkarimizanjani1379@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد sajjad14jalilian@gmail.com

Reflections on the Cognitive Frameworks for the Future of the International System in the Statement of the Second Step of the Revolution

Abstract

The statement of the second step of the revolution is more than a prism to raise the awareness of the Iranian people, it is a strategic document that looks at the future with hope, taking into account the basic components of the Islamic Revolution, based on past experiences. One of the requirements for the presence of the Islamic Revolution in the world arenas is to know the cognitive frameworks in the future of the international system with regard to the original ideals of the Islamic Revolution. Accordingly, the Supreme Leader of the Islamic Republic of Iran, by explaining and outlining the perspectives facing the Islamic Revolution and the strategies for its realization in the form of a statement of the second step of the revolution, drew cognitive levels in various fields. Accordingly, in this article, an attempt has been made to explain the content of the statement of the second step by adopting a futurist approach and observation method, and considering the basic components of the Islamic Revolution, and in order to realize the revolutionary system as a platform for realization. Objectives in the second step of the revolution, to explain the challenges and opportunities of the Islamic Revolution in a cognitive framework for the future of the international system. The findings of the article show that the formation and completion of cognitive frameworks is a gradual and complementary process that requires time and one of its requirements is the formation of spiritual transformation based on the correct understanding and knowledge of issues. Undoubtedly, achieving this demand requires a roadmap commensurate with the requirements and other preconditions of work, part of which has been realized and continued success in building a platform commensurate with the original ideals of the Islamic Revolution in the government with the consensus of the elites and the heartbroken.

Keywords: Islamic Revolution, the second step of the revolution, futures studies.

مقدمه

انقلاب اسلامی با پشت سر گذاشتن بیش از چهار دهه از عمر خود، به مرحله‌ای از تکامل رسیده است که امروزه در عرصه معادلات بین‌المللی به‌عنوان یک قطب تعیین‌کننده ابراز وجود نماید. این در حالی است که نشانه‌هایی از تحولات در روابط بین‌الملل به چشم می‌آید و انقلاب اسلامی برای نقش‌آفرینی هر چه بیشتر در این حوزه شرایط حساس و سرنوشت‌سازی را پیش روی خود دارد.

در بستر این گذار تاریخی لزوم تدوین دکترین و رهنامه‌ای جامع بیش از هر زمانی احساس می‌گشت تا چهارچوب‌های نظری و عملی برای طی نمودن این مسیر پرتلاطم فراهم‌شده و دستیابی به اهداف پیشرو ممکن گردد. بر اساس این ضرورت، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، منشور و رهنامه‌ای با عنوان بیانیه گام دوم انقلاب تدوین و ابلاغ نموده و اقدام به تبیین و ترسیم چشم‌اندازهای پیشروی انقلاب اسلامی و راهبردهای تحقق آن نمودند.

درواقع این بیانیه را می‌توان رهنامه‌ای دانست که ضمن روایت تاریخی از انقلاب در آن به آینده‌ای امیدبخش بشارت داده شده است. در ابتدای این رهنامه راهبردی اقدام به تاریخ‌نگاری واقع‌بینانه از روند انقلاب می‌شود و در ادامه سیر تکاملی انقلاب اسلامی در بستر داخلی و خارجی به نگارش درمی‌آید که بر اساس آن چرخه حیات انقلاب اسلامی در چهل سال ابتدایی تعبیر به گام نخست و پس از آن به دوره بلوغ چهل‌سالگی تعبیر می‌گردد. نکته بسیار راهبردی و کلیدی در این مقاله را می‌توان شناخت هر چه بیشتر ویژگی‌ها و مولفه‌های نظام انقلابی به مثابه بستر متناسب با نمو و شکل‌گیری بیانیه گام دوم انقلاب دانست که به همراه مفروضات مرتبط نسبت به تبیین آن اقدام شده است.

بر این اساس سعی این مقاله در این است تا به‌وسیله دانش‌افزایی در مورد بیانیه گام دوم انقلاب با نگاهی آینده‌پژوهانه و بر اساس روش دیده‌بانی آینده به تبیین محتوایی این بیانیه پرداخته‌شده و نسبت به تبیین چالش‌ها و فرصت‌های انقلاب اسلامی در چهارچوب شناختی ناظر بر آینده نظام بین‌الملل اقدام گردد. اهمیت این نوشتار در آن است که با عنایت راهبردی بودن این بیانیه لزوم تبیین مبانی آن از جنبه‌های مختلف داخلی و بین‌المللی احساس گردیده و بر این اساس تلاش شده است تا بر اساس روش کیفی توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش باشیم که چالش‌ها و فرصت‌های انقلاب اسلامی در چهارچوب شناختی ناظر بر آینده نظام بین‌الملل چیست؟ بر مبنای این پرسش و با توجه به توضیحات ارائه‌شده، چارچوب نظری بیان خواهد شد. لازم به ذکر است که با توجه به جستجوی صورت گرفته هرچند مقالات متعددی که در مورد گام دوم انقلاب نگاشته شده است ولی تاکنون پژوهشی با چارچوب نظری پیشرو در این حوزه صورت نگرفته و در همین نکته نوآوری نوشتار حاضر به منصفه ظهور می‌رسد.

چارچوب نظری

۱. آینده پژوهی

علم آینده پژوهی^۱ شاخه‌ای از علوم اجتماعی است که موازی با تاریخ پیشرفت کرده و با گذر زمان و پیوستن وقایع به تاریخ، روزبه‌روز رشد نموده و در حقیقت به موازات زمان حرکت می‌کند.

درواقع، درباره نگاه به آینده و رویکردهای آن دیدگاه‌های متعددی بیان شده است. آینده پژوهی، دانش و معرفت شکل بخشیدن به آینده، به شیوه‌ای آگاهانه، فعال و پیش‌دستانه است که می‌تواند رؤیاهای، آرزوها و آرمان‌های یک فرد، سازمان یا ملت را برآورده سازد. (زالی، ۱۳۹۲: ۲۲)

دانشمندان فعال در این رشته، می‌خواهند بدانند که انسان در آینده با چه چیزی روبرو خواهد شد. چه چیز در طول تاریخ همیشه ثابت می‌ماند و چه چیزهایی دست‌خوش تغییر و تحول می‌شود. آن‌ها برای تعیین احتمال وقوع اتفاقات و رویدادهای مختلف، روندهای تاریخی و تغییراتی که در گذشته و حال رخ داده است را مطالعه می‌کنند.

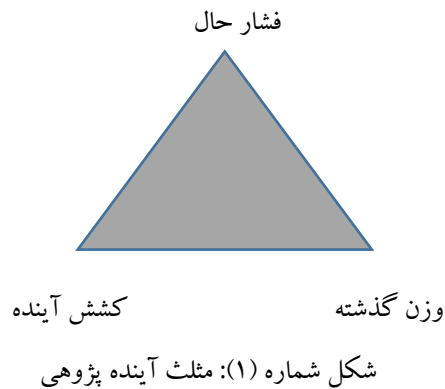
شناخت و درک هرچه بیشتر آینده و ناشناخته‌هایی که فراروی انسان‌ها و جوامع بشری قرار دارد از اهمیت بالایی برخوردار است این شناخت به ما کمک می‌نماید که از خطر رویارویی ناشناخته‌ها دوری نماییم. همچنین آینده‌شناسی این امکان را به انسان‌ها می‌دهد که یک‌قدم پیش‌تر از حال قدم بردارند. اطلاع نسبی از آنچه ممکن است در آینده اتفاق افتد و وقوع آن محتمل است ضروری به نظر می‌رسد. (مرادی پور و نوروزیان، ۱۳۸۴: ۴۵)

در حقیقت آینده پژوهی، نوعی پیش‌بینی آینده است که می‌توان از آن برای برنامه‌ریزی‌های بزرگ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی استفاده کرد. آینده پژوهی اگر در راه درست به کار برود، می‌تواند باعث پیشرفت کسب‌وکارها و روند رشد بشر شود و این مسئله در حقیقت با استفاده از تجربه‌ی گذشته و حرکت در راه صحیح به سوی آینده اتفاق می‌افتد. (ربیع زاده، ۱۳۹۹)

آینده پژوهی، فرآیند تلاش سیستماتیک برای نگاه به آینده بلندمدت علم، فناوری، محیط‌زیست، اقتصاد و اجتماع می‌باشد که باهدف شناسایی تکنولوژی‌های عام نوظهور و تقویت حوزه‌های تحقیقات استراتژیکی است که احتمالاً بیشترین منافع اقتصادی و اجتماعی را به همراه دارند. در حقیقت می‌توان گفت آینده پژوهی، فرآیندی سامانمند، مشارکتی و گردآورنده ادراکات آینده است که چشم‌اندازی میان‌مدت تا بلندمدت را باهدف اتخاذ تصمیم‌های روزآمد و بسیج اقدامات مشترک بنا می‌سازد.

مثلث آینده پژوهی را می‌توان حاصل تقابل سه نیروی متفاوت دانست که عبارت‌اند از:

- کشش آینده: الزامات و اقتضائاتی که به ما در مورد خلق چشم‌اندازها و چگونگی اجرا موقعیت‌ها تمایل می‌بخشد.
- فشار حال: بایستی‌های مبتنی بر حل مشکلات و چالش‌های زمان حال.
- وزن گذشته: آموخته‌های زمان گذشته به مانند دوره‌های آموزشی، تجربیات گذشته.



۱-۱. دیده‌بانی آینده^۱

«دیده‌بانی» در لغت به موسسه‌ای که اختصاصاً برای مشاهده پدیده‌های هواشناسی و نجوم طراحی و تجهیز گردیده است و نیز به هر ساختمانی که دید گسترده‌ای از محیط اطراف آن را ارائه می‌دهد، اطلاق می‌گردد. (دماری و همکاران، ۱۳۹۹:۴۹۹)

می‌توان ادعا نمود که دیده‌بانی مقدمه ضروری هر گونه پژوهش ساختارمند و اصیل در آینده‌پژوهی است. به تعبیر دیگر می‌توان گفت: کلیه آینده‌پژوهان سطوحی از دیده‌بانی را انجام می‌دهند با این تفاوت که برخی ممکن است نظام‌یافته‌تر و ساختاریافته‌تر این کار را انجام دهند؛ بنابراین پوشش محیط از جمله اولین گام‌ها در همه چارچوب‌های عام آینده‌پژوهی محسوب می‌شود.

اسکندر^۲ یا پوششگر تصویری از همه فضای مورد بررسی در یک برهه زمانی و زمانی خاص ثبت می‌کند البته باید توجه داشت که هیچ سیستم و یا ساختاری نمی‌تواند به کلی عدم قطعیت^۳ را حذف کند؛ بنابراین هدف کلیه سامانه‌های پوشش محیط، یافتن نشانه‌های اولیه رخدادهای مهم در آینده است به گونه‌ای که بیشترین مدت‌زمان برای انجام فعالیت‌ها فراهم شود. (مولایی و حسینی گل‌کار، ۱۳۹۴:۱۲۴)

درواقع در این روش با شناسایی سیگنال‌های تغییرات، پوشش و تحرکات محیط پیرامون و پایش عوامل مؤثر بر ساختار موجود تلاش می‌گردد تا چارچوبی عمیق نسبت به موقعیت حاضر ارائه گردد. در پروژه‌های آینده‌پژوهی عموماً با مطالعات دیده‌بانی و پوشش محیطی آغاز به پژوهش می‌گردد و در این راستا هر چیزی که متبلور تغییری تازه و یا تاثیرگذار در ابعاد کلان و خرد باشد مورد توجه شناختی قرار می‌گیرد.

دیده‌بانی آینده از سطوح خرد تا سطح کلان محیطی و ساختاری انجام می‌گردد و با چشم‌اندازی مشخص نسبت به موضوع مشخص مسائل را در دوره‌های نامنظم، منظم و یا پیوسته مورد ارزیابی خود می‌گذارد. امروزه با عنایت به تغییرات بسیار در حوزه روابط بین‌الملل توجه به دیده‌بانی بسیار ضروری است و با توجه به اهمیت این رویکرد ضروری به نظر می‌رسد تا در این حوزه اقدام به تشکیل گروه‌های مختلف برای رصد اطلاعات محیطی فراهم شود تا بدین وسیله در تلاطم امواج نظام بین‌الملل بتوان چشم‌اندازهای آینده را به صورت مطلوب پیگیری نمود.

^۱ Horizon Scanning

^۲ scanner

^۳ uncertainty

در این روش به طرح، ایده‌های جدید، شناسایی چالش‌های پیشرو و تحلیل روند پرداخته می‌شود که شامل پایش سیستماتیک محیط خارجی برای درک بهتر ماهیت و سرعت تغییرات آن است. این درک به منجر به شناسایی فرصت‌های بالقوه، چالش‌ها و تحولات آینده خواهد شد.

۲. بیانیه گام دوم انقلاب

انقلاب اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه‌ی پنجم حیات خود نهاد که اگرچه دشمنان مستکبرش گمان‌های باطلی در سر داشتند اما دوستانش در سراسر جهان، امیدوارانه آن را در گذر از چالش‌ها و به دست آوردن پیشرفت‌های خیره‌کننده، همواره سربلند دیده‌اند. در چنین نقطه‌ی عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه‌ی گام دوم انقلاب» و برای ادامه‌ی این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه‌ی گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه نمودند.

در این بیانیه به هفت سرفصل مهم در راستای چشم‌انداز انقلاب اسلامی در اقیانوس‌های چندساله اشاره شده است. برای تحقق چشم‌انداز انقلاب، اولین قدم قبل از هر چیز، تجربه‌اندوزی از گذشته است. در قسمت آغازین این رهنامه رویکرد تجربه‌انگاری اتخاذ گردیده است و بر آن سعی شده است تا با رعایت گزیده‌گویی، نقاط عطف تاریخ پرفراز و نشیب انقلاب اسلامی به عرصه قلم درآید. در حقیقت برای شناخت آینده عبور از قدمگاه گذشته امری غیرقابل اجتناب می‌باشد و بر این اساس به کارگیری آموزه‌های گذشته و گذشتگان از بدیهیات شناخت آینده می‌باشد. بر این اساس است که پس از درس‌آموزی از گذشته قدم در راه شناخت ظرفیت‌های آینده برداشته شده و بهره‌برداری از آن تا امکان خودسازی، جامعه‌پردازی و ایجاد تمدن نوین اسلامی میسر می‌گردد. (مقیم، ۱۳۹۷: ۱۱)

در این راستا بیانیه‌ی «گام دوم انقلاب» را باید تجدید مطالعی دانست خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان که به‌مثابه منشوری برای «دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد که به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی نزدیک خواهد کرد. بنابراین و بر اساس هدف پیشرو در این بیانیه ضروری به نظر می‌رسد تا در مورد الزامات سیاست خارجی جمهوری اسلامی و چالش‌های آینده و فرصت‌های آتی با رویکردی آینده‌پژوهانه به بحث پرداخته گذاشته شود.

۱،۲- الزامات سیاست خارجی در بیانیه گام دوم انقلاب:

در راستای بحث در مورد الزامات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید به روندها، پیامدها، پیشران‌ها^۱ و موانع نگاهی عمیق و مفهومی نمود. هرچند انقلاب اسلامی با گذشت چهار دهه از عمر خود با چالش‌ها و فرصت‌های متعددی مواجه بوده است ولی نباید این نکته را از نظر دور انگاشت که افاق‌های پیشرو در آینده سیاست خارجی با توجه به ارزش‌ها و آموزه‌های اصیل انقلاب اسلامی بنیان نهاده شده است و دقیقاً در همین مفهوم است که بیانیه راهبردی گام دوم انقلاب ناظر به چهارچوبی شناختی و مفهومی را در قالب هنجارهای مدنظر خود و اقتضانات ساختاری نظام بین‌الملل بنیان می‌نهد.

دو واقع می‌توان این نکته را در نظر داشت که سیاست خارجی جمهوری اسلامی در طی چهل سال ابتدایی خود روند مشخصی را طی نموده است. هرچند گفتمان‌های درونی مختلف در داخل شکل پذیرفت ولی با پیروزی انقلاب اسلامی سیاست خارجی دستخوش تحولات اساسی گشت. قبل از این رویداد رابطه ایران و همکاری‌هایش با دیگر کشورها تا حد زیادی منوط به بلوک غرب به سرکردگی آمریکا بود اما پس از انقلاب اسلامی سیاست نه شرقی و نه غربی شاخص و تراز سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار گرفت و امام خمینی (ره) آن را سیاست خارجی ابدی کشور نامیدند.

از دیگر ترازهای شاخص در گذشته انقلاب اسلامی که ضرورت دارد ادامه پیدا نماید، تسلیم‌ناپذیری در برابر نظام استکبار است. انقلاب اسلامی در عمر خود همواره سعی نموده است با پرهیز از سلطه‌گری هیچ‌گونه سلطه‌ای را نیز نپذیرد که البته در این راستا هزینه‌های بسیاری را نیز پرداخته است. بر همین اساس است که با بررسی روند گذشته به این نکته پی خواهیم برد که ایران اسلامی نه تنها هیچ‌گاه آغازگر جنگ نبوده است و هم‌زمان با دفاع از آرمان‌های انقلاب اسلامی در برابر دشمنان مستکبر خود نیز ایستادگی نموده است.

همچنین روند گذشته سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که بر اساس آموزه‌های اصیل انقلاب اسلامی حمایت از ملل مظلوم و مستضعف همواره در دستور کار انقلاب اسلامی قرار داشته است.

به‌عنوان نمونه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اصولی وجود دارند که تبلور این معنا در آن‌ها به‌صراحت یافت می‌شود؛ که می‌توان از اصول حمایت بی‌دریغ از مستضعفان و مسلمانان جهان یاد کرد. اصلی که آن‌هم در قانون اساسی آمده است اصل سوم بند ۱۶ تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان؛ و اصل ۱۵۴ جمهوری اسلامی ایران... در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند اشاره نمود.

البته انتخاب این اصول در سیاست خارجی جمهوری اسلامی پیامدهای خاص خود را نیز دارا می‌باشد که فارغ از بررسی و تبیین آن‌ها نگاه دقیقی نسبت به چالش‌ها و فرصت‌های آتی پیش نمی‌آید که در نمودار شماره ۱ به آن اشاره خواهد شد:



۲،۲- پیشران‌های گام دوم انقلاب:

پیشران از مفاهیم پایه‌ای و اصلی آینده‌پژوهی می‌باشد. از حیث اصطلاحی پیشران به هر نیروی تغییر ساز اشاره دارد که می‌تواند توسط اشخاص، نهادها و یا حتی شرایط ایجاد شود.

بنابراین پیشران‌ها نیروهایی هستند که بر پیامد رویدادها تأثیر دارند. در واقع عناصری که باعث حرکت و تغییر در طراحی اصلی پدیده‌ای آینده و سناریوها شده و سرانجام داستان‌ها را مشخص می‌کنند، می‌باشند. میزان پیش‌بینی‌ناپذیر بودن تحولات و نتایج آینده را عدم قطعیت گویند. پیشران‌ها از این حیث که عامل تغییرات آینده می‌باشند ضمن تأثیرگذاری بر عدم قطعیت‌ها (که به عواملی اشاره دارد که نتایج آن‌ها شناخته‌شده است اما هنوز اتفاق نیفتاده‌اند) بیشترین نقش راهبردی در آینده را بر عهده‌دارند. برای سازمان‌دهی پیشران‌ها در قالب نمونه‌هایی متناسب با نوع موضوع پژوهش تعیین می‌شوند و بر اساس سرواژه‌هایی تنظیم می‌شود. نیروهای پیشران را می‌توان به مؤلفه‌های اجتماعی، فرهنگی، فناورانه، سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی تجزیه کرد.

با پیشران‌ها این امکان فراهم می‌گردد تا با کاربست مفهوم پیشران، چرایی، چگونگی پدیده‌های نوظهور فراروی جامعه در سطوح مختلف سازمانی، ملی و بین‌المللی را مدل‌سازی نموده و به تصویر کشاند.

درواقع پیشران‌ها از راهبردی‌ترین عوامل شناسایی ایجاد شتاب یا کاهش شتاب در روندها هستند. بر این اساس شناخت صحیح و عمیق از پیشران‌ها کمک می‌نماید تا ادامه روند موجود را در صورت لزوم و برحسب شرایط مدنظر تغییر بدهیم و بر این اساس از مؤلفه‌های بسیار تأثیرگذار و تأثیربخش در آینده نظام بین‌الملل محسوب می‌گردند.

۱،۲،۲- آموزه‌های اصیل انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی و آموزه‌های آن، شکل‌دهنده جهت‌گیری‌ها و اهداف سیاست خارجی ایران در روند گذشته بوده است و در آینده نیز نقش اولیه را ایفا خواهد نمود. بر این اساس نه تنها باید وجوه انقلابی سیاست خارجی حفظ شود، بلکه با توجه به شرایط جدید محیط منطقه‌ای و بین‌المللی لازم است که آموزه‌ها، مفاهیم و ادبیات سیاسی انقلاب اسلامی مانند استبداد ستیزی، مقابله با ظلم و ستم، خودباوری، استقلال‌خواهی، عدالت‌خواهی، احترام متقابل و همزیستی مسالمت‌آمیز با ملت‌ها و دولت‌ها حفظ و تقویت شود. (دهشیری، ۱۳۹۰: ۵۵) اهمیت حفظ این مؤلفه تا جایی است که رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره حفظ آموزه‌های انقلابی می‌فرمایند: انقلاب پرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و انقلابی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله پرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه و سوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت نموده است و اینک وارد دومین مرحله از خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷)

۲،۲،۲- مدیریت جهادی

به نظر می‌رسد که می‌توانیم در زمینه‌ی اصلاح ساختارها در این برهه کار کنیم. یک مقداری احتیاج دارد به مدیریت شجاعانه؛ یک مقدار مسئولین دولتی با شجاعت در این قضیه وارد بشوند؛ ملاحظه‌ی غیر وظیفه و غیر قانون و غیر مصلحت کشور را نکنند. من اینجا یادداشت کرده‌ام «مدیریت شجاعانه، امیدوارانه، جهادی، با اشراف میدانی بر مشکلات - خیلی از مشکلات را در اتاق اداره و

مدیریت و پشت میز نمی‌شود فهمید، باید رفت در صحنه، در عرصه تا مشکلات را بتوان لمس کرد عدم انفعال در برابر دشمن، شرطی نکردن اقتصاد کشور به تصمیم این و آن؛ یکی از مسائل مهم این است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸)

در جای دیگری می‌فرمایند: تحریم قطعاً قابل علاج است اما علاجش عقب‌نشینی نیست. علاجش چیست؟ علاج تحریم فقط و فقط تکیه بر توانایی‌های ملی است. باید این توانایی‌ها را هر چه داریم نگاه داریم، دنبال کشف توانایی‌های جدید باشیم که قطعاً هم توانایی‌های ما زیاد است. و به آن‌ها تکیه کنیم و آن‌ها را احیا کنیم، جوان‌های خودمان را وارد میدان بکنیم و ارکان اقتصاد مقاومتی را یعنی درون‌زایی و برون‌گرایی دنبال کنیم. ما، هم امکاناتی در درون داریم، هم امکانات بین‌الملل داریم. ما، هم می‌توانیم در داخل تولید کنیم و امکانات فراوان گوناگون علمی، اقتصادی و غیره بجوشد از داخل، هم می‌توانیم در عرصه‌ی جهان، عرصه‌ی بین‌الملل فعالیت کنیم. ما دوستان خوبی داریم، با این دوستان می‌توانیم کار کنیم. تلاش لازم دارد، مجاهدت لازم دارد. در اقتصاد مقاومتی، درون‌زایی هم هست، برون‌گرایی هم هست و ما در هر دو مورد امکانات فراوانی داریم که می‌توانیم آن‌ها را انجام بدهیم. ظرفیت‌هایمان واقعاً بی‌پایان است و هر چه پیش برویم ظرفیت‌های جدیدی پیش می‌آید که البته باید با مدیریت جهادی این‌ها به دست بیاید؛ باتدبیر واقعی و با مدیریت جهادی این‌ها به دست می‌آید. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹)

۳،۲،۲- قدرت جوانان

نسل جوان یکی دیگر از مهم‌ترین منابع قدرت کشور می‌باشد که با تمام ظرفیت‌های درونی خود همیشه در عرصه‌های مختلف حضور فعال داشته است و بر همین اساس همواره مورد توجه مقام معظم رهبری بوده‌اند. ایشان در این باره و اهمیت حضور قشر جوان در عرصه‌های مختلف جمهوری اسلامی می‌فرمایند که جوانان مهمترین عامل تحرک و پویای جامعه هستند که تمامی حرکات سیاسی و اجتماعی را تحت تاثیر خود قرار می‌دهند. حتی در زمان صدر اسلام نیز این جوانان بودند که به یاری پیامبر (ص) شتافتند و ایشان را یاری کردند. نسل جوان که از پرتوافکنی‌های آفرینش خداوند است، از مهم‌ترین منابع قدرت کشور می‌باشد که با تمام ظرفیت‌های درونی خود همیشه در عرصه‌های مختلف حضور فعال داشته است و بر همین اساس همواره مورد توجه مقام معظم رهبری بوده‌اند، همان‌طور که در حرکت انبیا الهی برای هدایت مردم، جوانان اساس حرکت و نقش اصلی بوده‌اند، امروز نیز آن‌ها مبنای رشد هر کشوری به شمار می‌روند. در عرصه سیاسی این جوانان هستند که سریع‌تر از دیگران شروع به کار می‌کنند، در عرصه سازندگی فرهنگی این جوانان هستند که پیشرو می‌باشند و همچنین در دیگر عرصه‌های جامعه نیز پیشرو جامعه می‌باشند. با این حال که کشورهای بسیاری در عرصه علم و فناوری پیشرفته قابل توجهی کرده‌اند و الگوی دیگر کشورها قرار دارند اما یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های آن جوامع، کمبود نسل جوان و کاهش شدید جمعیتی این نسل می‌باشند و به تبع آن نیازمند جذب جوانان دیگر کشورها می‌باشند. دشمنان جوامع اسلامی از سال‌ها پیش با تمام توان در پی تضعیف جمعیتی جوانان این جوامع برآمده‌اند. بدون شک ایالات متحده آمریکا مستقر در رأس جریان فکری استکبار، در فکر سلطه بر مناطق استراتژیک جهان همچون خاورمیانه و خلیج فارس می‌باشد، که این هدف جز با تضعیف نیروی انسانی و به تبع آن تضعیف دولت‌های ملل مسلمان جوامع امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین متفکرین استکبار ممکن نیست که از ملت‌های اسلامی و خصوصاً جوانان آن‌ها به عنوان یک تهدید عظیم چشم‌پوشی بکنند. هیچ‌یک از جوانان منطقه

به اندازه‌ی جوانان این مرزوبوم آگاه‌تر و شجاع‌تر نیست؛ بنابراین جوانان مؤمن و انقلابی باید آگاه باشند که استکبار در پی اجرای نقشه‌های خود برای از میان برداشتن شما می‌باشد. (خامنه‌ای، ۱۳۷۰)

۳،۲- موانع تحقق اهداف سیاست خارجی در بیانیه گام دوم انقلاب

۱،۳،۲- بی‌توجهی و غفلت از اهداف اصیل انقلابی

سطح دیگری از محدودیت‌ها و موانع سیاست خارجی ایران در مسیر تحقق بخشیدن به اهداف انقلاب، نشأت گرفته از محیط داخلی و میراث عقب‌ماندگی است. اما از میان آن‌ها عدم پابندی برخی از کارگزاران نظام اسلامی به ارزش‌ها و شعارهای انقلاب و نداشتن رویکرد انقلابی در روند سالیان گذشته حائز اهمیت می‌باشد.

بر همین اساس یکی از چالش‌های اصلی پیش‌رو در حوزه چارچوب‌های شناختی در آینده را باید در این غالب ارزیابی نمود و تلاش کرد تا با شناسایی فرصت‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی نقاط قوت، رفتار و مواضع سیاست خارجی تقویت شود و اجماع میان کارگزاران جهت کنش انقلابی و غلبه بر موانع افزایش یابد. (ستوده، ۱۳۹۸:۱۸۷)

مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند، کشور و مردمی دارای استقلال در عمل، مختار، توانمند، سرافراز، پایبند به اصول دینی، توسعه‌یافته در علم، پرتجربه، ایمن و امیدوار، تأثیرگذار در منطقه و هوشمند در مسائل جهانی، پیشرو در توسعه علمی، رکورددار در رسیدن به مقام‌های بالا در علوم و فناوری‌های نوین و مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، ممتاز در گسترش خدمات اجتماعی، ممتاز در انگیزه‌های جهادی میان جوانان، ممتاز در جمعیت جوان کارآمد و بسیاری ویژگی‌های افتخارآمیز دیگر که همه آن‌ها حاصلی از انقلاب و نتیجه‌ای از جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی می‌باشند؛ بنابراین اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و سهل‌انگاری و فراموش کردن جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ انقلاب اسلامی وجود نداشت که باکمال تأسف رخ داد. بدون شک می‌توان بیان کرد که دستاوردهای انقلاب از ویژگی‌های مذکور بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمان‌های بزرگ بسیار جلوتر بود و شاهد بسیاری از مشکلات کنونی نمی‌بودیم. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷)

۲،۳،۲- نظام سلطه در نظام بین‌الملل

فهم نظام بین‌الملل بدون در نظر گرفتن سلطه‌طلبی جهان غرب نسبت به دیگر ملل امری بسیار سخت می‌باشد. این خود برتری بینی بستر بروز رفتاری خاص و منحصر جهان غرب به سرکردگی ایالات متحده را نسبت به دیگر فراهم می‌نماید تا سایر دولت‌ها و ملت‌ها از دیدگاهی مادون‌نگریسته شوند.

درواقع برای تئوریزه نمودن نظام سلطه، برای نخستین بار، نظریه ثبات هژمونیک در سال ۱۹۷۳ توسط کیندلبرگر مطرح شد و سپس مورد توجه نظریه‌پردازان و مکاتب فکری مختلف قرار گرفت. (قادری کنگاوری و روحی، ۱۳۹۲:۵۴) بر این اساس استدلال می‌شود که حفظ ثبات بین‌المللی و رونق اقتصادی منوط به وجود قدرتی مسلط و غالب است. این قدرت هژمون^۱ با ایجاد رژیم‌های بین‌المللی و وادار کردن سایر بازیگران به تبعیت از اصول و قواعد و هنجارهای آن، ثبات جهانی و تداوم اقتصاد آزاد را تضمین می‌کند. (عسگر خانی، ۱۳۸۳:۲۰۱)

این نظام در نگاه مفهومی جمهوری اسلامی ایران نمادی از استبداد بین‌المللی علیه دیگر ملل انگاشته می‌شود که بیش از هر مورد در نگاه رهبری نظام تبلور می‌نماید. ایشان با یاد نمودن استکبار جهانی به‌مثابه دیکتاتوری در سطح بین‌الملل و با یادآوری حقیقت غیرقابل کتمان مبارزه ملت‌ها با دیکتاتورهای داخلی، اساساً ریشه مشکل ملل را پس از وجوه مختلف دیکتاتوری داخلی در دیکتاتوری‌های بین‌المللی و دخالت‌های نابهنگام ایشان در سرنوشت ملل معرفی می‌نمایند و بر همین اساس مناسب‌ترین عنوان را برای این نحله رفتاری و نظری «نظام سلطه» عنوان می‌نمایند.

ایشان طبق این الگو معتقد هستند کشوری مانند جمهوری اسلامی که در قاموس خود سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را پذیرا نمی‌باشد و به دنبال نگاهی متفاوت از سیاست‌های حاضر عرصه بین‌الملل است در ساختار و چشم‌انداز نظریه‌های روابط بین‌المللی جایی ندارد. بر این اساس و طبق چارچوب گفتمان رهبری انقلاب، سیاست خارجی جمهوری اسلامی، ضمن آنکه ماهیتی مستقلانه و ضد سلطه دارد، بر اساس اصل احترام متقابل به تنظیم مناسبات خارجی خود اقدام کرده که بر پایه دو اصل اساسی استوار می‌باشد که نخست رد هرگونه سلطه و چیرگی در پهنه بین‌المللی و شناسایی نظام سلطه به‌عنوان غیریت و دوم تعامل سازنده بر پایه احترام متقابل و رعایت منافع ملی با کشورهای دیگر. (اسدی، ۱۳۹۳: ۱۱۶)

۲،۴- تمدن نوین اسلامی در گام دوم انقلاب اسلامی

از آغاز ظهور اسلام، همواره معیارها و شاخصه‌هایی برای رشد و پیشرفت وجود داشته است که حضور آن‌ها در تمدن اسلامی برای همه دوره‌ها لازم و واجب است و نبود هر کدام از این شاخصه‌ها می‌تواند مسیر پیشرفت و ترقی تمدن اسلامی را به چالش بکشاند، از جمله محوریت قوانین قرآنی، خردورزی، علم، اخلاق، مجاهدت در راه خدا، حکومت مردمی، پرهیز از تحجر، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت، دوری از اقتصاد مبتنی بر ربا و تکاثر و غیره؛ اما همگام با پیشرفت بشر، قطعاً معیارها و شاخصه‌های جدیدی نیز مطرح گردید که اگر تمدن اسلامی قصد پیشرفت در دنیای مدرن را دارد، ناگزیر از توجه به آن‌هاست.

تمدن اسلامی همچون دیگر تمدن‌های مشرق زمین، تمدنی شکل گرفته بر مبنای اصول و عقاید دینی بوده و در اصطلاح تمدنی دینی است. با توجه به تعریف می‌توان بیان کرد که از یکسو دارای محدودیت زمانی و تعریف معنایی می‌باشد؛ به این دلیل که نقطه شروع و نهایتش مشخص و از سوی دیگر، دارای وسعت محتوایی و موضوعی گسترده‌ای می‌باشد که همه بغرنجی‌ها، نکات و جهان‌شمولی دین اسلام را به‌عنوان یک دین الهی در خود دارا می‌باشد؛ بنابراین تمدن اسلامی وام‌دار تمامی ویژگی‌ها و خصوصیات یک تمدن الهی در چهارچوب تعالیم الهی می‌باشد و مؤلفه‌های آن شامل: دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات و اصول دینی است. همان‌گونه که مدینه النبی، شهر تازه تأسیس پیامبر اکرم (ص) نیز بر همین بنیان‌ها پایه‌گذاری شده بود. در آن شهر، انسان به‌عنوان مخلوقی برگزیده در جایگاه جانشینی خداوند، وظایف بزرگ و دشواری را بر عهده داشته و در تلاش برای رسیدن به رضایت خداوند، همه مراحل رشد و تعالی را با توسل به قوانین الهی و سنت‌های پیامبر طی درمی‌نوردید. (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۵۱)

درواقع تمدن اسلامی بر اساس نگرش توحیدی خود، تمدنی ایدئولوژیک با مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌ها معنوی و مادی جامعه اسلامی است که انسان را در جهت کمال مادی و معنوی هدایت می‌کند. درواقع مقصود از ساخته‌ها و دستاوردها آن بخش از زندگانی تمدنی است که در شرایط عادی در جامعه وجود نداشته و انسان‌ها آن را به وجود می‌آورد. همچنین مقصود از اندوخته‌ها

تمامی آن چیزی است که انباشتن تجربه‌ها و اطلاعات، علوم، تعهدات و اکتشافات و ابداعات گذشته جامعه بشری تحت نفوذ حکومت اسلام به جامعه اسلامی به‌عنوان ارثیه رسیده است. در نتیجه فرهنگ و تمدن اسلامی مجموعه‌ای از تمامی آداب و رسوم، اعتقادات و باورها، سنن، معارف، علوم اسلامی و ذخایر مشترک مادی و معنوی است که در میان ملت‌های مسلمان وجود دارد. (فوزی، ۱۹:۱۳۹۱)

از منظر رهبر انقلاب، تمدن اسلامی با زندگی انسانی، ارتباط معنایی تنگاتنگی برقرار می‌کند. در واقع ایشان این مفهوم را در دو سطح خرد و کلان مورد تعریف قرار می‌دهند. در سطح خرد ایشان تمدن اسلامی را نظام‌واره‌ای می‌دانند که زندگی خوب و عزتمند را برای انسان مهیا می‌کند تا او را به‌غایت مورد نظر خالق برساند.

در سطح کلان، ایشان تمدن اسلامی را چشم‌انداز و هدف غایی حکومت اسلامی در میان اجتماعات بشری تعریف می‌نمایند که البته برای امت اسلامی، تمدن‌های اسلامی ولی با هویتی مشترک قائل هستند زیرا تنوع ملت‌ها و تفاوت شرایط فرهنگی و اقلیمی را در این بحث به رسمیت می‌شناسند. (بهمنی، ۲۰۸:۱۳۹۳) بر این اساس در نگاه ایشان و از چشم‌انداز بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی می‌توان شاخصه‌های تمدن اسلامی را بر این اساس دسته‌بندی نمود:

۱،۴،۲- محوریت قوانین قرآن

در اندیشه ایشان شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی، بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم آفرینش و در وجود خود آنان به ودیعه گذارده است. محوریت قوانین قرآن، ایمان، علم، اخلاق، مجاهدت، حکومت مردمی و اندیشه پیشرفت، اجتهاد و پاسخگویی به نیازهای نوین بشر، پرهیز از تحجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاتل، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت، خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه خواری، ربا، تکاثر و دفاع از مظلومان عالم است که وجه مشترک شاخصه‌های تمدن اسلامی در دیدگاه معظم له و سایر اندیشمندان اسلامی است.

در اندیشه مقام معظم رهبری، قرآن و جایگاه قوانین آن در تمدن اسلامی از جایگاه مهمی برخوردار است. به اعتقاد ایشان شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی باید با توجه به «مبانی مشترک همه مذاهب اسلامی» و نه ایران شیعی باشد. بدیهی است که اولین و عالی‌ترین منبع مشترک بین همه فرق اسلامی، قرآن است. ایشان همچنین عامل اصلی دشمنی معاندان با ایران اسلامی را همین موضوع یعنی محوریت قوانین الهی برگرفته شده از قرآن می‌دانند.

۲،۴،۲- خردورزی و طلب دانش

رهبر معظم انقلاب بر «خردورزی» به‌عنوان مهم‌ترین ریشه و قالب در چگونگی سبک زندگی در تمدن نوین اسلامی تأکید دارند. همان‌گونه که در روایات اسلامی نیز وجود دارد، یک ساعت اندیشیدن در آغاز و فرجام زندگی و اعتقادات دینی که نوعی خردورزی است از جایگاه ویژه‌ای نزد پروردگار برخوردار است و با وجود اثرات وضعی مادی و معنوی بسیار، از عبادت چندین ساله برتر شمرده شده است.

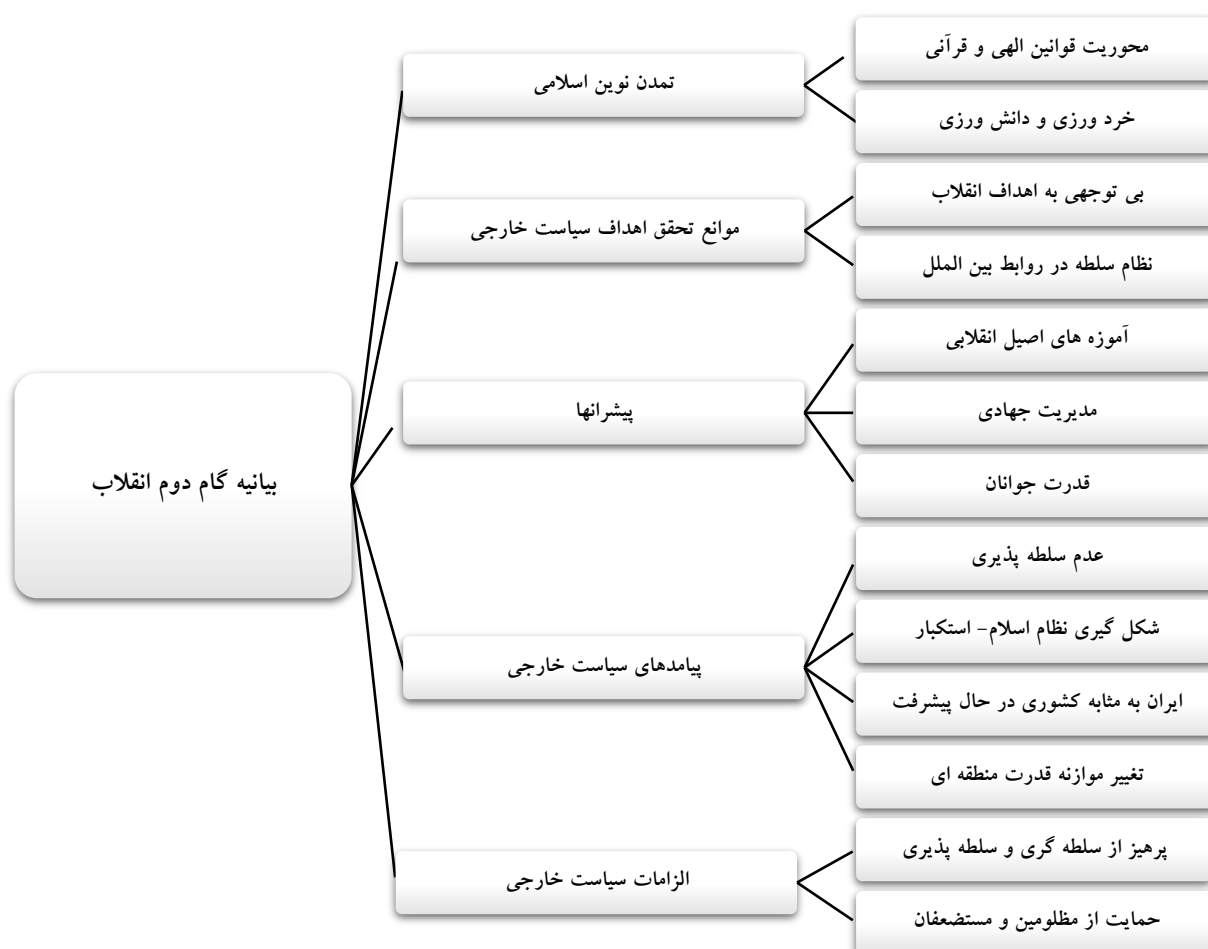
درواقع یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در پیشرفت علم و فناوری حاصل شده در هر کشور و به تبع آن، ارتقا جایگاه بین‌المللی را باید در اهمیتی دانست که مسئولان آن کشور برای علم قائل می‌گردند. این اهمیت بخشی را باید در این نکته جستجو نمود که علم

به‌عنوان یک وسیله‌ی حل مسائل دیده می‌شود تا به‌وسیله آن سیستم تفکر و علم جامعه با پویایی هر چه بیشتر موفق به حل مسائل مربوط به جامعه گردد.

از این منظر است که ایشان با توجه ویژه به مسئله پیشرفت علمی، پایه و لازمه‌ی قطعی پیشرفت همه‌جانبه آن را لازمه حقیقی اقتدار یک ملت می‌دانند و معتقد هستند تنها با دستیابی به قدرت و اقتدار است که می‌توان از هویت و حیثیت و استقلال و عزت یک ملت در مقابل زورگویان و مستکبرین حفاظت کرد و منافع ملی را حفظ نمود.

۳. فرجام سخن

تحقیق حاضر باهدف تأملی بر چهارچوب‌های شناختی ناظر بر آینده نظام بین‌الملل در بیانیه گام دوم انقلاب که دربردارنده وجوه مختلف سیاسی و اجتماعی است با نگاهی آینده‌پژوهانه به مسائل صورت گرفت. با توجه به نظریه‌های مختلف مربوط به آینده‌پژوهی ابتدا به تعاریف مختلف این مفهوم پرداخته و سپس با در نظر به کارگیری روش دیده‌بانی آینده و مقتضیات آن در سند راهبردی بیانیه گام دوم انقلاب مؤلفه‌های الزامات خارجی جمهوری اسلامی ایران و پیامدهای متناسب با آن و همچنین موانع تحقق اهداف سیاست خارجی و چگونگی و الزامات شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی به تفکیک و با توجه به فرآیند شاخص‌سازی موردبررسی قرار گرفت که در شکل ذیل مشاهده می‌گردد.



شکل شماره (۳): نمودار کلی مؤلفه‌های شناختی در بیانیه گام دوم انقلاب

منابع

- اسدی، ناصر، (۱۳۹۳). "تحلیل گفتمانی سیاست خارجی آیت‌الله خامنه‌ای"، فصلنامه پژوهش‌های سیاست اسلامی، شماره ۵، ۱۳۲-۱۰۷.
- بهمنی، محمدرضا، (۱۳۹۳). "تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای"، فصلنامه نقد و نظر، شماره ۱۹، ۱۹۸-۲۳۷.
- جان احمدی، فاطمه، (۱۳۸۸). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، انتشارت معارف.
- دماری، بهزاد و همکاران، (۱۳۹۹)، "طراحی نظام دیده‌بانی سلامت جمهوری اسلامی ایران"، نشریه پایش، شماره ۵، ۵۰۹-۴۴۹.
- دهشیری، محمدرضا، (۱۳۹۰). بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی در روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- زالی، نادر، (۱۳۹۲). آینده‌نگاری راهبردی در برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ستوده، محمد، (۱۳۹۸). "الزامات سیاست خارجی ایران در بیانیه گام دوم انقلاب"، باقرالعلوم، شماره ۸۷، ۱۷۵-۲۰۰.
- عسگر خانی، ابو محمد، (۱۳۸۳). رژیم‌های بین‌المللی، تهران، انتشارات ابرار معاصر.
- فوزی، یحیی، صنم زاده، محمودرضا، (۱۳۹۱). "تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی"، فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره ۳، ۴۰-۷.
- قادری کنگاوری، روح‌الله؛ روحی، نبی‌الله، (۱۳۹۲). "تأثیر بیداری اسلامی بر ماهیت و کارکرد نظام سلطه، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج"، شماره ۶۰، ۸۴-۴۹.
- مرادی پور، حجت‌اله؛ نوروزیان، مهدی، (۱۳۸۴). "آینده‌پژوهی، مفاهیم و روش‌ها"، فصلنامه رهیافت، شماره ۳۶، ۴۵-۵۰.
- مقیمی، سید محمد، (۱۳۹۷). «بیانیه گام دوم انقلاب»، رهنامه پیشرفت ایرانی، اسلامی، شماره ۳، ۱۴-۵.
- مولایی، محمد مهدی؛ حسینی گل‌کار، مصطفی، (۱۳۹۴). "آینده‌پژوهی انتخابات ایران و تحولات قدرت در جامعه شبکه‌ای دستاوردهای دیده‌بانی شبکه‌های اجتماعی مجازی"، فصلنامه چشم‌انداز مدیریت دولتی، شماره ۲۱، ۱۲۲-۱۳۱.

منابع اینترنتی:

- خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۷۰)، بیانات ایشان در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان، آدرس سایت:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2508>

- خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۹۷) بیانات ایشان در گام دوم انقلاب، آدرس سایت:

<https://farsi.khamenei.ir>

- خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۹۸)، بیانات ایشان در خصوص مدیریت جهادی، آدرس سایت:

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=5386>

- خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۹۸)، بیانات ایشان در خصوص گام دوم انقلاب، آدرس سایت:

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=5386>

- خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۹۹)، بیانات ایشان در خصوص تحریم اقتصادی، آدرس سایت:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=46146>

- ربیع زاده، عظیم، (۱۳۹۹)، «آینده پژوهی چیست»، آدرس سایت:

<https://www.azim.media>